روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۰۰۱ | پنج‌شنبه ۲۳ دی ۱۳۹۵ | ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۴۳۸| اذان ظهر: ۱۲:۱۳ |
غروب آفتاب: ۱۷:۱۱|اذان مغرب: ۱۷:۳۱|نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۸|اذان صبح فردا: ۰۵:۴۵|طلوع آفتاب فردا: ۰۷:۱۴|

دریچه | صابرالله دادیان

با افشای نقش «کلاه سفیدها» در جریان بستن آب بر ۵ میلیون سوری

میتینگ جرج کلونی در گلدن گلوب برای کلاه‌سفیدهایش

چندی پیش خبر ساخت یک فیلم سینمایی با محوریت «کلاه سفیدها» از سوی تهیه‌کنندگان «آرگو» منتشر شد، حالا نیز در جریان بسته شدن آب به روی ۵ میلیون سوری، باز هم نام «کلاه سفیدها» به گوش می‌رسد، منتهی نه در قامت قهرمانانی که مدعی آن هستند!

کلاه‌سفیدها که با شعار «هدف ما نجات جان انسان‌ها در این بحبوحه است و شعارمان این است که نجات جان یک نفر به معنی نجات بشریت است» اقدامات خود را وسعت بخشیده‌اند، به نظر می‌رسد توانسته‌اند نظر عمال حقوق بشر امریکایی را جلب کنند و شنیده‌ها حاکی از آن است که مورد حمایت دولت امریکا و بریتانیا قرار گرفته‌اند. در این بین نیز هالیوود که همیشه پشتیبان سیاست‌های جهانخوارانه امریکا بوده است، با رصد این سازمان مدنی قصد دارد برای سیاست‌هایش کیسه‌ای بدوزد. در بیانیه‌ای که به تازگی از سوی برخی گروه‌های کنترل‌کننده وادی بردی برای توافق احتمالی منتشر شده است و در آن پیشنهاد کردند که «تحت شرایطی» دسترسی به آب برقرار شود، نام و لگوی رسمی «سازمان دفاع مدنی سوریه» یا همان «کلاه سفیدها» آورده شده است که نشان از هم‌پیمانی آنها با اشقیایی دارد که آب را به روی حدود ۵ میلیون شهروند سوری ساکن دمشق از ناحیه «وادی بردی» بسته‌اند.

سایت خبری مشرق در تحلیلی بر این خبر نوشته: واضح است که سازمانی که در موضع پیشنهاددهنده شرایط به دولت سوریه قرار می‌گیرد، قطعاً خود را دارای توانایی تحقق این شرایط هم می‌بیند. به بیان دیگر، می‌بایست آنها را مسئول استمرار قطع آب شرب اهالی دمشق دانست. قطعاً می‌توان چنین فکر کرد که آنها روابط نزدیکی با تروریست‌های القاعده دارند که اکنون تأسیسات آسیب‌دیده آب را در وادی بردی تحت کنترل دارند. دولت‌های امریکا و انگلستان که «کلاه‌سفیدها» را ایجاد کرده‌اند و به آنها پول می‌دهند، خود را «بی‌طرف»، «غیرجانبدار» و «دلسوز همه مردم سوریه» معرفی می‌کنند. این در حالی است که افسران پنتاگون و سیا در اتاق‌های عملیات اردن و ترکیه اقدامات ضد دولت سوریه، از جمله همین اقدام غیرانسانی بستن آب به روی ۵ میلیون سوری را هدایت می‌کنند.

اما نکته جالب دیگر در رابطه با سیاست هالیوود در مورد کلاه‌سفیدها این است که از هر فرصتی برای گرفتن امتیاز چه از جانب مردم امریکا و چه کشورهای دیگر برای توسعه و تبیین سیاست‌های جدید خود در آثار پیش روی‌شان استفاده می‌کنند تا قهرمانان پوشالی و ریاکار خود را در جامه راهبان قدیس و شجاعی معرفی کنند که کمک‌های بشر دوستانه‌شان قرار است نمایشی بزرگ از بیانیه حقوق بشر امریکایی در جهان باشد. جرج کلونی، بازیگر و کارگردان سرشناس هالیوودی که تهیه کنندگی «کلاه‌سفیدها» را بر عهده دارد، چندی پیش در مراسم گلدن گلوب گفت: این فیلم به زبان عربی و با زیرنویس انگلیسی ساخته می‌شود و می‌خواهد تا جایی که می‌شود مردم سوریه و استعدادهای سوریه را در خود داشته باشد. او ادامه داد: جلب توجه عمومی نسبت به شجاعت کسانی مثل این داوطلبان یکی از راه‌های مثبت استفاده از شهرت است و اضافه کرد: تنها دلیلی که مردم شناخته شده باید در چنین چیزهایی نقش داشته باشند مربوط به زمانی است که هیچ‌کس چیزی درباره‌شان نمی‌داند. جرج کلونی که به واسطه مستند ساخته شده «کلاه‌سفیدها» توسط اورلاندو فون آینسیدل و به تهیه کنندگی جوآنا ناتاسگارا که در بخش مستندهای کوتاه اسکار جای دارد در رابطه با کلاه‌سفیدها در این مراسم پر بیننده سخن گفته است در حقیقت در حال اجرای بخشی از یک میتینگ تبلیغاتی است که قرار است توجه جهانیان را به این فیلم جلب کند، چراکه قرار است یکی دیگر از تحریف‌های تاریخی این بار در رابطه با اتفاقات سوریه رخ بدهد و جعلی بزرگ از سوی هالیوود قدرتمند انجام گیرد که همگان باید شاهد آن باشند، چرا که قدرت هالیوود در ارائه تصویری دیگر از واقعیت بر همگان مشهود است و گویی قرار است تهیه کنندگان آرگو این بار کلاه‌سفیدها را که هر روز نقش آنها به عنوان دوستان و حمایت شوندگان حامیان تروریست و ادامه‌دهندگان جنگ در سوریه مشخص‌تر می‌شود، در نقش بزرگ قهرمانانی نشان دهند که از دل جامعه بیرون آمده‌اند و برای احیای حقوق بشر و کمک‌های انسان‌دوستانه همه توان خود را به کار می‌گیرند و حتی از جان‌شان می‌گذرند.

اما حقیقت آن است که تاریخ ثابت کرده قهرمان‌هایی که هالیوود بر اساس رصدهای تاریخی و اجتماعی‌اش در سینما تصویر کرده با حقیقت معنای قهرمان فاصله‌ای بسیار دارند و در جهان بیشتر نقش اشقیا را بازی کرده‌اند تا قهرمان. همانطور که حقیقت مطلب در مورد کلاه‌سفیدها نیز همین است و هر روز اسناد بیشتری از همکاری آنها با امریکایی‌ها و حامیان تروریست‌شان در سوریه منتشر می‌شود.

گفتنی است، سازندگان «کلاه‌سفیدها» پیش‌تر در همین ترکیب فیلم سینمایی ضد ایرانی «آرگو» به کارگردانی بن‌افلک را تولید کردند و توانستند جایزه بهترین فیلم را در هشتادوپنجمین آکادمی اسکار از دستان همسر رئیس‌جمهور ایالات متحده دریافت کنند تا یکی از سیاسی‌ترین جوایز اصلی اسکار را در طول تاریخ این جشنواره به دست بیاورند. آنها قرار است این بار در نقش نقادان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده امریکا، سیاست‌های همیشگی امریکا را درباره خاورمیانه در فیلمی دیگر تصویر کنند.

حجت‌الاسلام سالاری نویسنده در گفت‌وگو با «جوان»:

حضرت آقا فرمودند «رؤیای نیمه شب» کار اصولی و خیلی خوبی است

■ **محمدصادق عابدینی**

حجت‌الاسلام مظفر سالاری سال‌ها است در حوزه ادبیات کودک فعالیت دارد. این نویسنده با نگارش کتاب «رؤیای نیمه شب» که برگرفته از داستانی واقعی است، شناخته می‌شود. البته وی به غیر از این کتاب عناوین دیگری را نیز منتشر کرده است، اما «رؤیای نیمه شب» باعث شد سالاری در بین عموم علاقه‌مندان به کتاب چهره‌ای آشنا به شمار رود. وی در جلسه اخیر نویسندگان و اهالی ادب با مقام معظم رهبری حضور داشته و مورد تفقد رهبر انقلاب قرار گرفته است. سالاری در گفت‌وگو با «جوان» درباره دیدار با مقام معظم رهبری و توجه رهبر انقلاب به وی و کتابش توضیح می‌دهد.

بگذارید آخرین سؤال را همین اول بپرسم، چه شد که در جلسه اخیر با مقام معظم رهبری، شما و کتاب‌تان مورد توجه قرار گرفتید؟ اصلاً فکر می‌کردید در این جلسه چنین اتفاقی بیفتد؟

نه، اصلاً فکرش را هم نمی‌کردم. در جلسه با حضرت آقا که نویسندگان حضور داشتند، من وقتی خوش و بش آقا را با برخی از نویسندگان می‌دیدم که از قبل با آنها آشنایی داشتند و برعکس من که نگاه‌شان گذرا بود با نگاهی ثابت به آنها نگاه می‌کردند، غبطه می‌خوردم و می‌گفتم ای کاش من هم مثل آقای قزوه، نیلی و امیری اسفندقه بودم که آقا از دیدنم ابراز خوشحالی کنند. البته چهره من برای حضرت آقا شناخته شده نبود و خیلی افسوس می‌خوردم که ای کاش بیشتر کار می‌کردم و آثار بهتری می‌نوشتم که مورد توجه حضرت آقا قرار بگیرد. این را هم بگویم چون ما در تهران نیستیم و شهرستانی هستیم در شناخته نشدن‌مان بی‌تأثیر نیست.

در آن جلسه چه اتفاقی افتاد که صحبت از شما و کتاب‌تان شد؟

بعد از نماز مغرب و عشا، همگی دور حضرت آقا حلقه زدیم. در کنار ایشان هم آقایی بود که افراد را معرفی می‌کرد. آن آقایی که افراد را معرفی می‌کرد سمت راست ایشان بود و از همان‌جا شروع کرد به معرفی و در حد یکی دو جمله درباره هر فرد صحبت می‌کرد. افراد هم بعضاً بعد از معرفی صحبت می‌کردند یا فقط به سلام و علیک بسنده می‌کردند. جمعیت حالت نیم دایره بودند و من تقریباً وسط این نیم دایره و روبه‌روی مقام معظم رهبری بودم. یک ساعت و نیم از جلسه گذشته بود که نوبت به من رسید و همان آقا که افراد را معرفی می‌کرد مرا معرفی کرد و گفت: آقای مظفر سالاری نویسنده کتاب «قایق راندن به اقیانوس.»!

درباره این کتاب توضیح می‌دهید؟

حدود ۹ سال پیش مابین ۱۲ تا ۱۶ دی‌ماه سال ۸۶ مقام معظم رهبری به یزد سفر داشتند و به بنده پیشنهاد شد که وقایع این سفر را بنویسم مانند کاری که آقای امیرخانی و دوستان دیگر برای دیگر سفرهای رهبری نوشته‌اند.

چه کسی از شما خواست وقایع‌نگاری کنید؟

از طرف دفتر حضرت آقا پیشنهاد شد اما طرف قرارداد من حوزه هنری یزد بود. من با سفر پنج روزه مقام معظم رهبری به یزد همراه شدم و حاصلش کتاب «قایق راندن به اقیانوس» شد.

بعد از معرفی شما به مقام معظم رهبری چه شد؟

وقتی من را معرفی کردند در کمال تعجب دیدم که حضرت آقا چهره‌شان به گونه‌ای شد که انگار شخصی را که می‌شناسند اما چهره‌اش را ندیده‌اند، از نزدیک می‌بینند. چند بار نام من را تکرار کردند و لبخندی زدند. فرمودند کتاب «قایق راندن به اقیانوس» کتاب خوبی بود و ادامه دادند: منظور از قایقران خود شمائید! جواب دادند: بله و آن اقیانوس هم شما هستید. بعد من درباره کتاب «رؤیای نیمه شب» که همین هفته گذشته از جشنواره دین و پژوهش‌های برتر جایزه گرفته است صحبت کردم. ایشان گفتند بله کتاب خیلی خوبی است! متوجه شدم که ایشان این کتاب را نیز خوانده‌اند و خیلی خوشحال شدم که دو کتابم مورد توجه حضرت آقا قرار گرفته است.

حضرت آقا درباره کتاب چیز دیگری هم گفتند؟

فرمودند کار خیلی اصولی و خوبی شده است و در ادامه گفتند که مزیت کتاب این است که داستانش مستند است و از روی یک واقعه حقیقی فضاسازی شده است.

چه صحبت‌هایی در محضر رهبر انقلاب داشتید؟

قبل از صحبت‌های من برخی از دوستان حرف‌هایی زدند که کمی تیره بود و از اینکه مردم کتاب نمی‌خوانند گلایه کردند ولی من گفتم که اگر کار خوبی صورت بگیرد مردم از کتابخوانی استقبال می‌کنند و مسابقه «کتاب و زندگی» را مثال زدم که باعث رشد کتابخوانی شده و از دست‌اندرکارانش تشکر کردم. بعد درباره کتاب «رؤیای نیمه شب» توضیحاتی دادم که کتاب توانسته است خرج خودش را دربیاورد و با فروشی که داشته توانسته هزینه‌های مربوط به تولید تیزر تلویزیونی و تبلیغاتش را تسویه کند و نیازی به دریافت یارانه نداشته است. فکر کنم حضرت آقا در اینجا گفتند که نه تنها من این کتاب را خوانده‌ام بلکه به چند نفر دیگر هم توصیه کردم که بخوانند. در ادامه نیز من یک نسخه از چاپ شصت‌وپنجم کتاب را که در پشت جلدش نوشته بودم: «تقدیم به رهبر انقلاب، امیدوارم مرا از رهنمودهای خود بهره‌مند کنند تا آنها را سرلوحه کار خودم قرار دهم»، به ایشان تقدیم کردم.

گویا شما زودتر از سایرین جلسه را ترک کردید!

بله. من برای بازگشت به یزد بلیت قطار داشتم و فکر نمی‌کردم جلسه تا این حد طول بکشد برای همین به آقای قزوه گفته بودم که باید بروم و وی هم به آن آقایی که مسئول جلسه بود گفته بود، برای همین وقتی بلند شدم که کتاب را تقدیم رهبر انقلاب کنم، آن آقا هم گفت که آقای سالاری بلیت دارند و باید بروند. من هم دیدم برگشتن و نشستن وجهه خوبی ندارد، همان‌جا خداحافظی کردم.

برای سؤال آخر شاید بعضی از خوانندگان ما هنوز از محتوای رمان «رؤیای نیمه شب» باخبر نباشند، کمی درباره این کتاب توضیح می‌دهید؟

آقای سیدجواد معلم که یکی از دوستان ما است کتاب «عبقری الحسان» را تلخیص کرده و از دل آن ۲۵۰ روایت از کسانی را که به حضور حضرت قائم(عج) مشرف شده‌اند، استخراج کرده است. آقای معلم در مشهد است و برای اینکه از این روایت‌ها داستان استخراج شود به تهران می‌آید و سراغ آقای رحماندوست می‌رود و موضوع را مطرح می‌کند. آقای رحماندوست هم به ایشان می‌گوید که به قم و نزد شاگردان آقای حسن زاده برو و از آنها کمک بگیر. در مراجعه ایشان من و آقای مجید ملامحمدی قبول کردیم که این کار را انجام دهیم. من ۱۰ روایت را انتخاب کردم و اولین روایت را که دیدم به ذهنم رسید که می‌توان آن را گسترش داد، به آقای معلم گفتم که می‌شود این را رمان کرد و وی هم استقبال کرد. به نظرم چیزی که باعث شد کتاب «رؤیای نیمه شب» با استقبال روبه‌رو شود نه پرداختن به سبک زندگی و امام زمان (عج) بلکه داستان جذاب آن است. این کتاب تا امروز جوایز متعددی گرفته است از جمله کتاب سال ولایت، کتاب سال سلام، نامزد کتاب سال جمهوری اسلامی که قرار بود جایزه اول را بگیرد اما چون به مسئله شیعه و سنی پرداخته بود ترسیدند و این ریسک را نکردند، در صورتی که اشتباه کردند زیرا این کتاب درباره وحدت بین تشیع و تسنن است.

راه سعادت

حکمت ۱۹۶

لَمْ یَذْهَبْ مِنْ مَالِکَ مَا وَعَظَکَ.

مالی که نابودی آن تو را پند می‌دهد، از دست نرفته است.

نما | حسین کشتکار

گزارش «جوان» از علاقه وافر سینماگران به سوژه‌ها و مضامین تلخ

اینجا از امید خبری نیست!

■ **جواد محرمی**

ظاهراً علاقه به خون‌به جگر کردن تماشاگر جزو تعهدات قاطبه سینماگران ایرانی است و احیاناً قانون نانوشته‌ای وجود دارد که فیلمسازان را ملزم می‌کند بدون گرفتن حال تماشاگر آنها را روانه بیرون سالن نکنند. بخش عمده‌ای از سینمای ایران قرار نیست حالت را خوب کند، بلکه خیلی خوب و شیک از شما حال‌گیری می‌کند و گویا فیلمسازان بر سر اینکه کدام یک بیشتر حال تماشاگر را زهرماری کنند، مسابقه گذاشته‌اند. جالب این است که شخصیت‌محوری اغلب فیلم‌های روحیه داغان‌کن این روزهای سینمای ایران زن هستند و تماشاگر باید به مظلومیت این زنان خون گریه کند و معلوم نیست این همه تمرکز بر کاراکترهای زن بیچاره و بدبخت از کجا ناشی می‌شود.

سیدجمال سیدحاتمی، دستیار سابق کمال تبریزی در فیلم «لاک قرمز» سراغ زندگی دختری رفته است که پدرش معتاد و مادرش یک روی مخ تمام عیار است. بدبختی از همان اول شروع می‌شود و تا انتها به آن افزوده می‌شود و تو را تا یک تلخی بی‌نهایت رهنمون می‌کند. فیلمساز دست‌بردار نیست و گویی مانند کاراکتری مخوف گرزی در دست گرفته و بالای سرت ایستاده که بشین و زجر بکش و ول کن هم نیست و تو هم به خاطر ۱۰ هزارتومنی که داده‌ای و زمانی که گذاشته‌ای دندان روی جگر می‌گذاری تا فیلم به پایان برسد و ببینی قرار است بالاخره چی بشود. ولی خب سلسله بدبختی‌ها پایان پذیر نیست. یک فیلم ۹۰ دقیقه‌ای که ۸۰ دقیقه‌اش زجر مطلق است.

■ **پایان‌بندی از نوع ایرانی**

فیلم دیگری که روی پرده است و به واسطه رویکرد نه چندان جگرخون‌کننده‌اش توانسته ارتباط خوبی با تماشاگر برقرار کند، فیلم سلام بمبئی است اما همین فیلم هم نتوانسته از عهد مألوف سینمای ایران به طور کامل فاصله بگیرد و به جای هپی‌اند که مشترک آثار سینمای هند است پایان‌بندی از نوع ایرانی را ترجیح داده و با همه شادگولانه بازی‌های خوب فیلم در نهایت دلش نیامده بدون زهرمار کردن خلق تماشاگر او را از سالن سینما راهی کند. پسر ایرانی فیلم سلام بمبئی در صحنه پایانی فیلم پس از کلی کشمکش‌های عشقولانه، معشوقه هندی خود را روی تخت بیمارستان در وضعیتی بغرنج مشاهده می‌کند و فیلم با صحنه قبرستان و گریه سوزناک پسر عاشق پیشه خاتمه می‌یابد. در واقع فیلمساز همه خوشی‌های فیلم را در چند دقیقه زهرمارت می‌کند.

■ **قهرمانی در کار نیست**

«گیتا» ساخته مسعود مددی، نیز چندان فیلم دلگرم‌کننده‌ای نیست. شخصیت بدبخت این فیلم هم یک زن است. زنی میانسال، فرزندش را برای تحصیل سینما به اروپا فرستاده است. ناگهان با خبر فوت فرزندش مواجه می‌شود. همه چیز برای سوز و گداز مهیاست. فیلم به لحاظ کارگردانی گیج و پریشان است و اشتباهات فاحش تکنیکی آن آدم را متعجب می‌کند. نفس نرگس آبیار هم با وجود همه رنگارنگی‌های نوستالژیکی که دارد اما به واسطه کاراکتر دختر بچه‌ای که مدام در حال تجربه اتفاقات نه چندان دلچسبی از سوی ننه آقا و معلم مکتب خانه‌اش است، تلخکامی را بر شیرینی غلبه می‌دهد و آخر سر هم به مرگ و انفجار دچار می‌شود. فیلم دیگری که می‌تواند در این چرخه جگرخونی وارد شود «نیمه شب اتفاق افتاد» است که داستان روزهای خوش یک زن به فاجعه‌ای مرگبار منجر می‌شود.

■ **بفرمایید شکنجه شوید**

از فیلم‌های دیگری که ابتدای امسال اکران شد فیلم «ابد و یک روز» بود که رکورد بدبختی و بیچارگی اعضای یک خانواده در سینمای ایران را به تنهایی به نام خود زد و رفت که برای یک دهه به الگوی فیلمسازان بی‌جنبه و دنباله‌رو تبدیل شود. کاراکتر بدبخت در این فیلم تا دلت بخواهد زیاد است اما مانند همیشه بدبخت‌تر از همه، دختری است که برادرش قصد دارد او را به انگیزه باز کردن یک مغازه فلافل فروشی به افغانستانی‌ها بفروشد و همین کار را هم می‌کند. نمای کلوزآپ از کاسه توالت جزو یکی از پراستفاده‌ترین نماها در این فیلم است؛ فیلمی که نظر مثبت هیئت داوران جشنواره فجر انقلاب اسلامی را نیز به دست آورد و ۹ جایزه این رویداد هنری را نصیب عوامل آن کرد. فصل مشترک اغلب فیلم‌های سینمای ایران کاراکترهای زن مستأصل است؛ شخصیت‌هایی که هیچ کدام قهرمان نیستند، همه در چرخه‌ای معیوب و تکراری گرفتارند و قرار نیست به مقصدی معین و سرنوشتی روشن برسند. همه در موقعیتی اسیر هستند که راه گریزی از آن متصور نیست. شما با هیچ کدام از آنها همذات‌پنداری نمی‌کنید و دلیلی هم ندارد که این کار را بکنید چون دوست ندارید جای آنها باشید. گویی شما قرار است برای شکنجه شدن به سینما بروید و البته برای این مسئله باید پول هم بدهید.

آغاز جنجال رسانه‌های منطقه برای فیلمی با موضوع آل‌سعود

ساخت «امپراطور جهنم» رسانه‌های عربی را به وحشت انداخت

ساخت فیلم سینمایی «امپراطور جهنم» در ایران رسانه‌های عربی را به وحشت انداخته است، این در حالی است که با این وجود هیئت انتخاب جشنواره فیلم فجر این فیلم را نادیده گرفتند.

به گزارش جوان، روزنامه «البنا» یکی از رسانه‌های لبنان در مطلبی به فیلم سینمایی «امپراطور جهنم» ساخته پرویز شیخ‌طادی و تهیه‌کنندگی محمد خزاعی پرداخته است. انتشار این مطلب در حالی روی داده که هیئت انتخاب جشنواره فیلم فجر از پذیرش این فیلم در بخش رقابتی آن سر باز زده و تنها خارج از مسابقه نمایش داده خواهد شد.

متن این خبر به شرح زیر است:

«پس از گذشت پنج سال از اکران فیلم «پادشاه شن‌ها» به کارگردانی اسماعیل نجدت انزور، این روزها اخباری از برنامه ایران برای تولید فیلمی در راستای نقد آل سعود، رسوایی داعش و نمادهای تکفیری منتشر شده است. در این فیلم همچنین به رویدادهایی که به صورت مخفیانه در خاورمیانه، اروپا و امریکا در جریان است، پرداخته می‌شود. فیلم «امپراطور جهنم»، بزرگ‌ترین پروژه ایران در عرصه جهانی محسوب می‌شود. محمد خزاعی تهیه کننده و پرویز شیخ‌طادی نیز کارگردان این فیلم است.

این فیلم فلسفه ایجاد داعش و گروه‌های تکفیری را روایت می‌کند و همچنین روابط سعودی‌ها با رژیم اسرائیل را نمایش می‌دهد.

محمد خزاعی یکی از فعالان سینمایی در حوزه رسانه‌های مقاومت است و آثار مهمی را در جشنواره فیلم «مقاومت» در ایران ارائه داده است. وی در این آثار، شخصیت رهبران مقاومت یعنی سیدحسن نصرالله دبیر کل حزب‌الله و عبدالملک الحوثی رهبر انصارالله یمن را به نمایش گذاشته است

این پروژه سینمایی به صورت مخفیانه و به دور از چشم رسانه‌های محلی و بین‌المللی تولید شده است و بدون شک این فیلم در ایران و کشورهای منطقه با مشکلاتی مواجه خواهد شد و جنجال‌های گسترده‌ای را در پی خواهد داشت.»

در سال های اخیر هنرمندان جبهه مقاومت تلاش کرده اند در آثارشان به افشاگری علیه تروریسم وهابی و حامیان آن بپردازند. نمونه های موفقی از آثار این هنرمندان در مجموعه جشنواره های مقاومت به نمایش درآمده است. استقبال بین‌المللی از چنین آثاری خشم حامیان تروریسم را در پی داشته است و به شیوه های مختلف تلاش در سنگ اندازی در مسیر این آثار کرده اند.

خبر

معاون کتابخانه ملی:

نسخ خطی شیعی با پول هنگفت دشمنان از کشور خارج و معدوم شد

بر اساس شنیده‌هایم، موارد متعددی از نسخ خطی کهن شیعه با پول هنگفت دشمنان اهل بیت(ع) از کشور خارج شده که امیدواریم صحت نداشته باشد.

این مطلب را غلامرضا امیرخانی، معاون کتابخانه ملی ایران صبح دیروز در جریان نشست خبری پانزدهمین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی در محل این سازمان عنوان کرد. وی گفت: چندی قبل باخبر شدیم که بعضی از نسخ خطی بسیار کهن شیعی از کشور خارج و حتی معدوم شده است. این کار با پول هنگفت دشمنان اهل بیت(ع) انجام شده و آنها نسخه‌های کهن شیعی ما را به خارج از کشور برده‌اند و حتی آنها را به کلی از بین برده‌اند.

این مقام مسئول در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از قاچاق برخی از نسخ بسیار کهن شیعی به خارج از کشور و همچنین معدوم شدن آنها خبر داد و از این اتفاق اظهار تأسف کرد.

وی افزود: سؤالی که امروز می‌بایست مطرح کرد این است که چرا بسیاری از نسخ خطی از کشور خارج می‌شوند و ما بعد از مدتی متوجه این اتفاق می‌شویم. ظاهراً جواب این سؤال مشخص است و به مسائل مالی برمی‌گردد، اما واقعاً باید عزم جدی در میان مسئولان رده بالای کشورمان به وجود بیاید که میراث فرهنگی‌مان حفظ شود.

این مقام مسئول در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران افزود: وظیفه حفاظت از میراث مکتوب کشور در درجه اول برعهده کتابخانه‌های بزرگ کشور است و باید از خروج این آثار جلوگیری کنند. چند وقت قبل خبری منتشر شد با این مضمون که تنها یک برگ مینیاتوردار از شاهنامه شاه طهماسب ۱۲ میلیون دلار (یا پوند) در حراج ساتبی فروخته شد.

دبیر جشنواره شعر فجر:

مسابقه مرور تئاتر ایران به جشنواره فجر افزوده شد

دبیر جشنواره تئاتر فجر تأکید کرد امکان رقابت میان آثار صحنه‌ای حاضر در جشنواره در دو بخش مسابقه بین‌الملل و مسابقه جوانان فراهم شده، مسابقه مرور تئاتر ایران نیز برگزار می‌شود و نمایش‌هایی در این بخش مورد داوری قرار خواهند گرفت.

سعید اسدی، دبیر این دوره از جشنواره درباره اضافه شدن بخش‌های جدید جشنواره گفت: «جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به‌عنوان بزرگ‌ترین رویداد تئاتری ایران زمین امکان مهمی برای رونق بخشی به تولید هنرمندانه آثار نمایشی و تجلی اشتیاق گروه‌های تئاتری در سراسر کشور برای تبادل تجربه و هنر با یکدیگر و ایجاد ارتباطی متفاوت با مخاطبان گرامی این هنر پرتأثیر است. در کنار نمایندگانی از سایر ملل، تئاتر ایران فرصت مناسبی را می‌یابد تا بخشی از تولیدات کثیر خود را در مروری سالانه به عرصه سنجش و ارزیابی برساند و نشاط این گردهمایی را در فجر انقلاب اسلامی در رقابتی سالم و فرهنگ مدار متجلی کند.»

وی ادامه داد: «اکنون در آستانه برگزاری مرحله نهایی جشنواره از آغاز تا دوازدهم بهمن ماه نسل‌های گوناگون از هنرمندان تئاتر ایران، از جوان با آتیه تا پیشکسوتان مجرب، در بخش‌های متنوع آثار خود را به صحنه خواهند برد. بنابر ویژگی‌های یاد شده در فراخوان دوره سی و پنجم جشنواره امکان رقابت میان آثار صحنه‌ای حاضر در جشنواره در دو بخش «مسابقه بین‌الملل» و «مسابقه جوانان» فراهم شده است و بخشی از نمایش‌های راه یافته بنابر شرایط ذکر شده در مقررات این بخش می‌توانند در این مسابقات دوگانه قرار گیرند.»

اسدی یادآور شد: «دبیرخانه جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با ملاحظه توان حرفه‌ای و ویژگی آثار در نزدیکی به محورهای موضوعی فراخوان و گستره ملی نمایش‌های راه یافته به جشنواره برای ایجاد رغبت و شور و نشاط بیشتر در ایام برگزاری، بر حسب شمار متنوع آثار در مرور تئاتر ایران بخش دیگری را با عنوان «مسابقه مرور تئاتر ایران» به رقابت نمایش‌های صحنه‌ای دوره سی و پنجم می‌افزاید تا اکثر آثار پذیرفته شده در جشنواره فرصت حضور در بخش رقابتی جشنواره را داشته باشند. بنابراین در این دوره علاوه بر مسابقات بین‌المللی و جوانان، مسابقه مرور تئاتر ایران نیز برگزار و نمایش‌هایی در این بخش مورد داوری قرار خواهند گرفت.

آثار همچنان بنابر ویژگی‌ها و شرایط مذکور در فراخوان در دو بخش رقابتی بین‌الملل و جوانان قرار خواهند گرفت و آثار دیگر که عمدتاً در بخش مرور پذیرفته شده‌اند در مسابقه مرور تئاتر ایران جای خواهند داشت.»